

دوزخی به نام عسلویه

مهیندخت مصباح

دوشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۸۸

یک سوم ذخایر گازی ایران در میدان پارس جنوبی انباشته شده است. این حوزه در آبهای سرزمینی ایران و قطر واقع شده و مساحت آن ۹۷۰۰ کیلومتر مربع است. ۳۷۰۰ کیلومتر مربع این حوزه در آبهای سرزمینی ایران قرار دارد. زمانی ۶۰ هزار کارگر در عسلویه کار می‌کردند، اما اینک تعداد آنها به دلیل خوابیدن پروژه‌ها پس از تحریم ایران، به یک سوم کاهش یافته است. جوانمیر مرادی، کارگر پیشین عسلویه و فعال کارگری در گفتگو با دویچه‌وله، از شرایط استخدامی و زیستی کارگران پارس جنوبی گفت.



شروع شکوفایی پروژه‌ها

در سال ۱۳۷۸ بود که پروژه‌های ساخت پارس جنوبی فعال شدند. نخست فاز یک با نیروی ۱۲۰۰ کارگر شروع به کار کرد. پس از ۴ سال، با شدت‌گیری فعالیت در منطقه و راه‌اندازی پروژه‌های پتروشیمی، ساخت و ساز و استخراج در این منطقه به اوج خود رسید و شمار کارگران به ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر افزایش یافت. از سال ۸۴ به بعد، مشکلات ناشی از خروج پیمانکاران خارجی و مسائل اقتصادی خود را نشان دادند. تعداد کارگران این حوزه، همواره نوسان داشت، اما رکودی که از سال ۸۴ به بعد ایجاد شد، اکثر آنها را بیکار کرد. در حال حاضر، ده‌ها کیلومتر مربع از منطقه، که برای احداث پتروشیمی‌ها زیرسازی شده، به حال خود رها شده و پیشرفتی نکرده‌اند. همه چیز خوابیده است.

ریزش نیرو با تحریم جهانی

اینک با پایان گرفتن پروژه‌های فعال، حداکثر ۱۵ هزار کارگر در عسلویه هستند. این‌ها کسانی هستند که در پروژه‌های در حال بهره‌برداری کار می‌کنند. پیمانکار فاز ۱۱، شرکت توتال است. این فاز همچنان در حال ساخت است و به مرحله بهره‌برداری نرسیده است. در صورت اتمام این پروژه، کارگران این فاز نیز بیکار خواهند شد. فاز ۹ و ۱۰ به شرکتی ایرانی تعلق دارد که نام آن "اویک" است. این دو فاز نیز هنوز در حال فعالیت‌اند.

دما ۵۰ درجه، امکانات زیر صفر

از دید مسافران و رهگذرانی که از حوالی پروژه‌ها عبور می‌کنند، دیدن منطقه به ویژه در شب با آن همه چراغ، بسیار دل‌فریب است. تماشاگر با خود فکر می‌کند به به، چه جای قشنگی. چه صنعت عظیمی! اما این ظاهر قضیه است. عسلویه از دور و در شب زیباست. کافی است کسی وارد محوطه‌ها شود. اینجا تازه خواهد دید که کارگران ساده در جایی زندگی می‌کنند که تفاوتی با محل نگهداری حیوانات ندارد. امکانات زندگی، خیلی بد و بی‌کیفیت است. هزاران انسان پس از کار طاقت فرسای ده دوازده ساعته در شرجی و گرمای بالا، شبها در خوابگاه‌های شلوغ و آلوده می‌خوابند و کوچک‌ترین تفریحی ندارند. متوسط حرارت هوا ۴۵ درجه است.

تسهیلات طبقاتی

خوابگاه‌های مناسب‌تر که دارای سرویس‌های بهتری هستند، برای مهندسان و تکنسین‌های رده بالا در نظر گرفته شده‌اند. آن‌ها اتاق‌های دو نفره با تخت و تلویزیون و یخچال و حمام، سرویس بهداشتی بهتری دارند. اما کارگران رده پایین، ده دوازده نفری در یک اتاق سه در چهار می‌خوابند، با کولرهایی که همیشه خوب کار نمی‌کنند. بسیاری اوقات کولرها ایمنی ندارند و بخاطر اتصالی، جان کارگران را گرفته‌اند. برای کارگر خارجی نیز دو نوع تسهیلات هست. کارگران تایلندی و فیلیپینی و هندی وضع بهتری نسبت به ایرانیها ندارند، امامهندس‌ها و تکنسین‌های آنها در شرایط بهتری کار و استراحت میکنند. گاه رفاه مهندسا و تکنسین‌های هندی و تایلندی از همکاران ایرانی‌شان بیشتر است. تمام این امکانات، براساس موقعیت طبقاتی است. برای کارگران رده پایین هیچ تفریح و دلخوشی نیست، اما مثلا مهندسان و تکنیسین‌ها آخر هفته‌ها کنار دریا می‌روند، باشگاه دارند و دور هم جمع می‌شوند.

خاستگاه کارگران ساده

در زمان رونق پروژه‌ها، کارگران از همه نقات ایران به عسلویه می‌آمدند. بیشتر کارگران ساده و روزمزد، از کردستان، خراسان، سیستان و بلوچستان می‌آمدند و حتی از امکان خوابگاه نیز محروم بودند. در میان آنها از سن خیلی کم ۱۶ ساله دیده می شد تا سن نزدیک به ۶۰ سال. نگاه فرودستانه‌ای به این کارگران می شد. بسیاری فکر میکردند اینها افغانی هستند، چون همان لباسهای محلی خود را به تن داشتند و حتی لباس و کفش کار به آنها داده نمی شد.

محیط سراسر مردانه و زمخت

تعداد بسیار کمی کارمند زن در عسلویه مشغول‌اند که استخدام رسمی هستند و در محلی کاملا جداگانه و دور از کارگران ساده زندگی می‌کنند. کارگر از روزی که وارد عسلویه می‌شود تا زمانی که می‌خواهد برود، هیچ مرخصی ندارد. اگر کسی بخواهد دو روز برود زن و فرزند خود را ببیند، به او می‌گویند، برو، اما دیگر برنگرد! کارگر مجبور است ماه‌ها بدون تماس با خانواده خود، کار کند. هیچ تفریحی نیست. هیچ زمینه‌ای برای اینکه کارگر خود را از نظر روحی و جسمی بازسازی کند، وجود ندارد. به دلیل فشارهای روحی که کارگران تحمل می‌کنند، گرایش به مواد مخدر بالاست. در عسلویه به‌طور علنی، مواد مخدر رد و بدل می‌شود و کسی به آن کاری ندارد. درصد بالایی از کارگران معتاد شده‌اند. بیشتر حشیش و هرویین می‌کشند.

خلاف و پرخاشگری و انحراف

تعداد کارگرانی که یک‌سال در عسلویه می‌مانند و هیچ تماسی با خانواده و اجتماع ندارند، زیاد است. همین موجب شده تا مناسبات ناهنجار جنسی در عسلویه وجود داشته باشد. افراد پانزده شانزده ساله یا کسانی که تازه از سربازی آمده‌اند، در عسلویه کم نیستند. این‌ها در کنار کارگران مسن‌تر، در یک خوابگاه می‌خوابند و روابطی شکل می‌گیرد. همه‌گونه خلاف در عسلویه رخ داده، حتی قتل هم اتفاق افتاده است. به دلیل جو سنگین و فشار کار، بسیاری از کارگران پرخاشگر و خشونت‌طلب هستند.

سطح نازل آگاهی

آگاهی صنفی و طبقاتی کارگران ساده بسیار کم است. یکی از عواملی که در دام اعتیاد می‌افتند، این است که از شرایط

خود آگاهی ندارند و فقط رنج می‌برند. کار آن‌ها آنقدر زیاد است که فرصت رشد ذهنی نمی‌یابند، تشکل ندارند. کسانی بودند که تلاش می‌کردند کارگران را روشن کنند، اما حراست و نیروی انتظامی آنها را احضار کرد. مواردی بوده که نیروهای حراست، خوابگاه‌ها را برای یافتن اعلامیه یا مجله کارگری بازرسی کرده‌اند. مواردی هم بوده که فعالان کارگری را شناسایی کرده و آن‌ها را اخراج کرده‌اند. آنها اکثراً روزمزد هستند و کسی دنبال قرارداد نیست. کارفرما آن‌ها را بیمه نمی‌کند. بیمه هم بکنند، به دلیل دستکاری در روزهای کار، برای کارگر در اداره بیمه، سنوات واقعی وجود ندارد. کارگر پذیرفته که مرخصی برابر است با اخراج. پافشاری نمی‌کند که چند روز به من مرخصی بدهید، بروم نزد خانواده‌ام. هفت روز هفته را کار می‌کند.

حساسیت به فعالیت صنفی

حراست و نیروی انتظامی، نظاره‌گر خلاف و اعتیاد و انحراف‌های دیگر هستند، اما کافی است بشنوند کارگری صحبت از حقوق صنفی می‌کند. اینجا حتما سراغ این کارگر می‌روند. مجله و کتاب صنفی و حقوقی در عسلویه وجود ندارد. روزنامه و کتاب خیلی خیلی کم است. جنب و جوش چندانی میان کارگران برای دانستن بیشتر وجود ندارد.

کافی نت در عسلویه

هر چند امکان استفاده از اینترنت در عسلویه وجود دارد، اما به‌دلیل فشار و طولانی بودن ساعت کار، کارگران رغبتی به چرخ زدن در فضای اینترنت ندارند. آنها همه هفته را کار می‌کنند. وقتی به خوابگاه برمی‌گردند، باید ساعتها در صف غذا و حمام بمانند و دیگر رmqی ندارند. کسی که دنبال کافی‌نت می‌رود، باید آن شب، قید حمام و دوش گرفتن را بزند.

سطح نازل بهداشت

در عسلویه، بیماری‌های پوستی و تنفسی شایع است. بیماری‌های ناشی از عفونت‌زدایی هم هست. در خوابگاه‌ها که مانند جای نگهداری حیوانات است، به جای این‌که امکانات را بهتر کنند، اتاقها را تعمیر کنند یا پنجره‌ها را درست کنند تا آفتابگیر باشد، به سمپاشی روزانه اکتفا می‌کنند. برای گندزدایی و جلوگیری از شیوع شپش و ساس، اتاقها هر روز ضد عفونی میشوند. کارگران در خوابگاههایی می‌خوابند که هر روز سمپاشی شده و این مشکلات تنفسی را ایجاد کرده است. هوا در تابستان بین ۵۰ تا ۶۰ درجه است، با شرجی بالای ۹۰ درجه، و این مثل سونا است. کارگر حتی وقتی در سایه هم باشد، تمام مدت لباس اش خیس عرق است. خیلی از کارگران با عارضه عرق‌سوز مواجه‌اند.

در جستجوی نان

شرایط کار در عسلویه طاقت‌فرساست، اما هیچ‌کس فکر نمی‌کند که آیا این سختی‌ها ارزش آمدن به اینجا را دارد یا نه. کارگری آنجا می‌رود که حق هیچ انتخابی ندارد. کارگر در شهر خود کار نداشته و ناچار است اینجا بیاید. کارگر ساده، معمولاً ماهی ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان دستمزد می‌گیرد. مسلماً اگر چنین دستمزدی را در منطقه خودش می‌توانست بگیرد، خانواده و شهر خود را ترک نمی‌کرد. برخی کارگران بین خود می‌گویند: «عسلویه اردوگاه بردگی ماست.»

مهیندخت مصباح

دویچه وله - جامعه / حقوق | ۲۵,۰۴,۲۰۰۹